



 FirmBonyan

اسباب سقوط خلافت



تأليف: مؤسسه بنیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسباب سقوط خلافت

تأليف: مؤسسه بنیان



پس از ده‌ها قرن غلبه تمدن اسلامی بر جهان در سایه خلافت، سرانجام در نتیجه فاصله گرفتن مسلمانان از دین و هویت اسلامی خود و تسلیم شدن اراده آنان در برابر غرب، خلافت عثمانی بعنوان آخرین خلافت در سال **1341 هـ.ق** مصادف با **1924** میلادی رسماً سقوط کرد. سقوط خلافت اسلامی و پیدایش دولت‌های متفرق ناسیونالیستی و سکولار وقایعی بود که چهره جهان اسلام را به گونه‌ای تغییر داد که منجر به بازگشت مسلمانان به مرحله قبل از هجرت به مدینه شد! جهان اسلام در معرض جهل و جاهلیتی قرار گرفت که تمدن سکولار غرب و جریانات مادی، آن را نمایندگی می‌کردند تا جایی که شریعت اسلام که قرن‌ها مصدر تشریع قوانین بود از قانون اساسی مسلمانان حذف و یا تحریف و تعطیل شد. در این مقاله مهم، به بررسی اسباب سقوط خلافت خواهیم پرداخت به امید اینکه مسلمانان با درس گرفتن از خطاهای گذشته، باری دیگر برای بازگرداندن شکوه و عظمت اسلام گام نهاده و صفحه‌ای جدید برای نوشتن تاریخی پر شکوه بگشایند.

اسباب سقوط

1. تهاجم فکری: تهاجم فکری طرحی بسیار مکارانه و پنهانیست که در پی اهداف بزرگی همچون پریشان نمودن افکار و اذهان مسلمانان، ایجاد تردید در عقاید دینی مسلمانان، ایجاد اختلاف میان جنبش‌های مختلف اسلامی، تضعیف مسلمانان و دور نمودن آنها از دینشان می‌باشد که این امر را با افکاری مانند وطن‌پرستی و نژادپرستی، ترویج و تبلیغ فرهنگ و دیگر افکار فاسدشان به نمود می‌گذارند.

این تهاجم با وجود اینکه سال‌ها به شکلی نرم و روان در حال اجرا بود، اما متأسفانه جز اندکی از مردم از این توطئه آگاه نشده‌اند اگرچه به مرور زمان رادمردان و اندیشمندان بزرگی به پا خواسته و دست به روشنگری زدند اما متأسفانه تا به امروز نیز برخی از مردم نسبت به این نوع تهاجم غافل و بی‌خبر هستند.

جنگ روانی و تهاجم فکری همیشه مقدمه تهاجم نظامی بوده و گاهی همین تهاجم فکری برای تصرف سیاسی يك کشور کافی و نیازی به تهاجم نظامی نداشته است چه بسا مردم يك کشور به مرور زمان بدون هیچ مقاومتی، افکار و اندیشه‌های خود را تسلیم دشمنان اسلام نموده و همین امر برای نسل‌های بعدی نیز مرسوم گردیده است؛ از جمله تسلیحاتی که در تهاجم فکری به منظور تضعیف رشد اسلام خواهی از آن استفاده می‌شود، ایجاد شك و تردید نسبت به اصول دین اسلام و متهم ساختن آن به عجز و ناتوانی در عرصه زندگی است.

این قبیل جنایت‌ها معمولاً زیر نقاب روشنفکری، مصلحت‌خواهی، دلسوزی و شعارهای دیگری از این قبیل صورت می‌گیرد تا بتوانند افکار عمومی را فریب دهند و این روند تا زمانی که حکومت را به دست گیرند، ادامه می‌یابد؛ آنگاه قوانین ضد بشری خود را پیاده نموده و با ایجاد رعب و وحشت به سرکوب مردم می‌پردازند و خواسته‌های مردم را زیر پا گذاشته و صرفاً به اهداف خود می‌اندیشند و با استفاده از زور و قدرت، خواسته‌های خود را به آنها تحمیل می‌کنند همانطور که در ترکیه از این تاکتیک استفاده نمودند. لذا اولین گام برای نابودی خلافت، تهاجم فرهنگی و فکری قبل از تهاجم نظامی بود، با دامن زدن به نزاع ناسیونالیستی بین همه ملیت‌ها و به ویژه بین ترك‌ها و عرب‌ها و شستشوی مغزی جوانان برای پذیرش نظام سیاسی سکولار به عنوان جایگزینی برای نهاد خلافت.

ناسیونالیسم یا قومیت ترکی

شهروند یهودی عثمانی، "مُعز کوهن"، یکی از بنیانگذاران تفکر ناسیونالیستی تورانی در امپراتوری عثمانی به حساب می‌آید، او با نام مستعار تکین آلپ ترکی، مخفی می‌شد، اما نکته طنزآمیز این است که او اصلاً ترک نبود! او در تألیفات خود ادعا می‌کند زبان ترکی مادر همه زبان‌هاست و تمدن ترکی قبل از اسلام خاستگاه همه تمدن‌هاست! او به وسیله افکارش توانست شور و شوق و حماسه مردم ترک را برانگیزد و آنها را زیر پرچم خود بسیج کند، با این همه مردم ترکیه نه تنها از افکار و دسیسه او با خبر نبوده بلکه گمان می‌بردند که او اصالتاً ترک می‌باشد. افراد بسیار دیگری سردمدار این قبیل افکار شده و مردم ترکیه را روز به روز از هویت اسلامی آنان دور ساختند از جمله مهم‌ترین احزاب قوم‌گرا و ضد دینی ترک می‌توان به حزب "اتحاد و ترقی" اشاره کرد.

نکته قابل ملاحظه: کلمه تورانی که ترک‌های قوم‌گرا بسیار آن را بر زبان می‌آورند از توران، منطقه‌ای پر رمز و راز در آسیای مرکزی گرفته شده جایی که تورانیان آن را مهد مردمان ترک می‌دانند؛ ترک‌ها در مرحله‌ای از تاریخ به سمت غرب کوچ کرده و در آناتولی ساکن شدند.

تأسیس احزاب ملی سکولار

"حزب اتحاد و ترقی" توسط عده‌ای از جوانان ترک (در دانشکده طب سلطنتی استانبول) در سال 1889 میلادی تأسیس شد؛ سردمداران این حزب دارای توجهاتی لائیک بودند و بدین ترتیب دسیسه‌ها و نقشه‌های زیاد برای از بین بردن سلطان عبدالحمید پایه‌ریزی کردند تا اینکه پس از سال‌ها فعالیت و نفوذ در مراتب بالای

ارتش عثمانی، در سال 1908، سلطان عبدالحمید را مجبور به بازگرداندن مشروطیت 1876 کردند و بدین ترتیب دوره دوم قانون مشروطیت امپراتوری آغاز شد و به عبارتی دیگر این حزب تبدیل به قدرت اصلی و دولت پنهان در امپراتوری عثمانی گشت.

ناسیونالیسم یا قومیت عربی

انجمن مخفی بیروت که در سال 1875 میلادی تأسیس شد، اولین حزب سیاسی می‌باشد که در کشورهای اسلامی بر اساس اندیشه ناسیونالیسم عربی به وجود آمد؛ این حزب توسط پنج مرد جوان که در دانشکده پروتستان (دانشگاه آمریکایی بیروت) تحصیل کرده بودند و همگی مسیحی بودند تأسیس شد و محور فعالیتشان سوق دادن جوانان عرب به سوی قومیت عربی و هدفشان ایجاد عداوت و دشمنی با دولت عثمانی بود؛ آنان، خلافت عثمانی را دولت ترکیه یا اشغالگران عثمانی می‌نامیدند و در راستای جدا کردن دین از دولت تمام توان خود را به کار گرفته و از هیچ دسیسه‌ای علیه مسلمانان دریغ نمی‌کردند. از اهداف آنها، تغییر ولاء و دوستی اسلامی در میان مسلمانان و تبدیل آن به ناسیونالیسم و قومیت بین ترک و عرب بود.

از دیگر اهداف آنان وارد کردن اتهامات بر ضد دولت عثمانی بود مبنی بر اینکه آنها خلافت را از عرب‌ها غصب نموده و در احکام دین و شریعت اسلامی افراط و تفریط کرده‌اند و همان طور که به آن اشاره کردیم اکثر مدعیان این فکر از شخصیت‌های مسیحی بودند!

2. انتشار جهل و دوری مسلمانان از علوم دنیوی و اخروی: با وجود اینکه مسلمانان در صدر اسلام سردمدار نشر علم در جهان بشمار می‌آمدند اما در قرن اخیر با پیشرفت اروپا در صنعت و تکنولوژی، نوعی خودباحثگی در میان مسلمانان ایجاد شد تا جایی که بسیاری از آنان به اروپا سفر کرده و به جای استفاده از علوم آنان و بکارگیری آن برای خدمت به اسلام، شیفته افکار غربی گشته و اسلام را سبب عقب‌ماندگی خود تلقی کردند؛ غافل از اینکه این مسلمانان بودند که پایه‌های علم و دانش را در اروپا پایه‌ریزی کردند.

3. ارسال ماموران و جاسوسان انگلیسی: برای اینکه موفق شوند خلافت را از بین برند، ده‌ها جاسوس به عنوان مسلمانانی که به زبان عربی و ترکی تسلط داشته و با مهارت سخن می‌گویند به سوی امپراتوری عثمانی و سرزمین‌های شبه جزیره عربستان روانه ساختند. از جواسیسی که نقش بسیار خطرناکی را ایفا می‌کرد، "هری جان فیلبی یا حاج عبدالله فیلبی" نام داشت؛ دشمنان خلافت، او را تا درجه‌ای معروف کردند که برای مسلمانان در حرم کعبه امامت می‌کرد؛ او جاسوسی بود که نزد عبدالعزیز آل سعود به عنوان مشاور ویژه به کار گمارده شده بود. از دیگر جاسوس‌های بارزی که انقلاب عرب‌ها بر ضد دولت عثمانی را رهبری می‌کرد می‌توان به "لورنس عرب" اشاره کرد.

4. برافروخته شدن جنگ جهانی: برای از بین بردن نظام سیاسی در اسلام، غرب ناگزیر بود که امپراتوری عثمانی را به واسطه نمایندگان دولت خلافت اسلامی (حزب اتحاد و ترقی) از بین ببرد. بنابراین، شعله‌ور شدن يك جنگ جهانی بزرگ که در آن دولت عثمانی يك طرف بازنده باشد، ضروری بود. علیرغم مخالفت خلیفه، امپراتوری عثمانی مجبور به ورود به جنگ جهانی اول شد که باعث تضعیف، تکه تکه شدن و

از بین رفتن آن شد. در حالی که امپراتوری عثمانی می‌توانست با اجتناب‌پذیری از جنگ شاهد تضعیف کشورهای درگیر در جنگ شود و با پرداختن به اوضاع داخلی و حل مشکلات، نفسی تازه به خود بگیرد.

5. اتحاد نظامی با "شریف حسین" و "عبد العزیز آل سعود": یکی دیگر از ترفندهای انگلیس برای تضعیف جبهه داخلی سرزمین یکپارچه اسلام و تکه تکه کردن آن، ایجاد پیمان نظامی با مخالفان ملی‌گرا در داخل امپراتوری عثمانی بود! شریف حسین (رهبر قیام اعراب ناسیونالیست) یکی از بارزترین افرادی بود که می‌توانست نقش دشمنان را عملی سازد. انگلیسی‌ها با ایجاد طمع در وی به او گفتند: ما حجاز و سایر نقاط شبه جزیره عربستان و شام و عراق را از اشغال عثمانی‌ها آزاد کرده و تو را به عنوان پادشاه عرب بر تخت می‌نشانیم؛ برای عملی کردن این دسیسه، انگلیس هفت میلیون پوند طلا به او هدیه داد که در آن زمان ثروت بسیار زیادی بود. تا شاید با این ثروت بتواند در منطقه به عنوان متحد نظامیشان باقی بماند، و نیز مقدار زیادی از سلاح و مهمات به سوی جزیره عرب روانه ساخت. علاوه بر آن، مدیریت تلاش‌های نظامی و سیاسی در حجاز را نیز با رهبری لورنس عرب، همان رهبر و برنامه‌ریز واقعی انقلاب عربی پیش می‌برد تا جایی که همه تحرکات، زیر نظر و دستور او انجام می‌پذیرفت.

شریف حسین برای اینکه توجیهی برای اعلام انقلاب ادعایی خود بیابد، با انگلیسی‌ها موافقت کرد که هواپیماهای انگلیسی برخی نقاط مکه و اطراف کعبه را بمباران و موشک‌باران کنند و آن عمل زشت و ناروا را به ترك‌ها و حکومت عثمانی نسبت دهند تا مردم بر ضد آنها قیام نموده و آنها را از شبهه جزیره عرب بیرون کنند و از شریف حسین در خروج علیه خلافت عثمانی حمایت کنند چرا که خروج مکه و مدینه و حجاز

از زیر فرمان خلیفه عثمانی به معنای از دست دادن اقتدار و موقعیت وی در جهان اسلام به شمار می‌رفت، علاوه بر اینکه موجب از دست رفتن مشروعیت خلافت نیز می‌گشت؛ اگرچه شریف حسین قبلاً از توافق "سایکس-پیکو" که مناطقی از حکومت اسلامی را از هم پاشید آگاه بود، و همچنین از "بیانیه بالفور" که فلسطین را به یهودیان عطا می‌کرد آگاه بود، اما به حمایت خود از رهبر بریتانیا، ادامه داد و بدینگونه شریف حسین به اسلام خیانت کرد و از قانون سیزده قرن این امت که مبنی بر عدم هم پیمانی با کافران بود سرپیچی نمود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾
[المائدة : 51]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید! یهود و نصاری را به دوستی بر نگزینید، آنان دوستان یکدیگرند، و کسانی که از شما با آنها دوستی کنند، از آنها هستند، همانا خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.

در مورد عبد العزیز آل سعود نیز دولت انگلیس طبق معمول حيله ديپلماسی و حيله مالی را با وی به کار برد و مبلغ 350 هزار پوند استرلینگ و مبلغ پنج هزار جني در ماه به او پرداخت می‌کرد. او موضوع را به شیوه‌ای برای مردم و پیروان خود جلوه داده بود، و آنها را متقاعد کرده بود که این مال خراجی است که انگلیسی‌ها با به پوزه مالیده شدن بینی‌شان به خاک، باید پرداخت کنند.

در 26 دسامبر سال 1915 میلادی توافق‌نامه‌ای با نام "معاهده دارین" بین "سرپرسی کاکس انگلیسی و عبد العزیز بن عبد الرحمن آل سعود" در جزیره دارین امضاء شد که در این معاهده چنین آمده است:

(دولت انگلیس عبدالعزیز آل سعود را به عنوان حاکم مستقل نجد، احساء و القطیف و الجبیل به رسمیت می‌شناسد و وی قانون حکم وراثتی بعد از خود را قانون گذاری می‌کند. و بریتانیا خود را ملزم می‌نماید که کشور را در دست عبد العزیز آل سعود نگه داشته و مصالح خود را به وسیله او پیش ببرد و از او با پول و سلاح‌های لازم در جنگ‌هایش حمایت کند؛ در مقابل، عبد العزیز متعهد می‌شود که از هرگونه ارتباط، توافق یا معاهده با هر دولت یا کشور خارجی خودداری کند. او همچنین متعهد می‌شود که به هیچ وجه بدون موافقت دولت بریتانیا زمین‌ها را واگذار نکند یا به آنها تجاوز نکند مگر با موافقت دولت انگلیس و اینکه در سرزمین کویت، بحرین، قطر و عمان دخالت نکند، چرا که همه اینها تحت حمایت انگلیس هستند (و به معاهدات مختلف ملزم هستند). در نتیجه توطئه‌چینی عبد العزیز بر ضد دولت عثمانی و جنگ با امارت وفادار به حکومت عثمانی (امارت جبل شمر) و خدمات بزرگی که به بریتانیا کرد، در سال 1916 میلادی یکی از سیاستمداران انگلیسی به نام "کوکس" به خاطر تقدیر از دست‌آوردهای عبد العزیز به نفع انگلیس و همکاری با آنها مدال افتخار را به گردن او انداخت!

5. **ایجاد يك ناجی قهرمان:** در حالی که خلافت عثمانی در حالت فروپاشی به سر می‌برد، بریتانیا قصد داشت از يك رهبر ترکی متعصب و قوم‌گرا قهرمانی بسازد و در لباس يك قهرمان ناجی به عنوان هدیه‌ای که از آسمان برای نجات قوم ترکی نازل شده ظاهر شود و مردم ترکیه را از اشغال کشورشان (پس از جنگ جهانی اول) نجات دهد! دشمنان اسلام سرانجام پس از معاهده لوزان خلافت عثمانی را از میان برداشته و کمال آتاتورك را به عنوان قهرمان ملی کشور ترکیه به رهبری منصوب کردند و حکومتش را به رسمیت شناخته و شریعت اسلام را از قانون اساسی کشور

حذف کردند و در سال 1923 کشور جدید ترکیه با "آیین لائیک" پدید آوردند. بدین ترتیب موجی جدید در راستای مبارزه با دین اسلام در ترکیه شکل گرفت.

جلوگیری از بازگشت خلافت

هنگامی که خلافت در استانبول لغو شد، شریف حسین متوجه شد که در خطر جدی قرار دارد زیرا انگلیس‌ها دیگر به خدمات او نیازی ندارند و آنها از آل سعود برای کنترل حجاز حمایت خواهند کرد، بنابراین چهار روز پس از سقوط خلافت تصمیم گرفت خود را خلیفه مسلمانان اعلام کند بدون اینکه از انگلیس چراغ سبز بگیرد و به محض اعلان خلافت، انگلیس به عبد العزیز چراغ سبز نشان داد تا به حجاز (مناطق تحت کنترل شریف حسین)، حمله کند و آن را اشغال کند. عبد العزیز ظرف شش ماه موفق شد مکه را به اشغال خود در آورده و پادشاه انقلاب عربی (شریف حسین) را به قبرص تبعید کند!

نتیجه‌گیری

دشمنان اسلام به خوبی معنای خلافت را دریافته و برای مبارزه با آن از هر اسبابی بهره می‌جویند؛ از مهم‌ترین این اسباب دوری مسلمانان از باور و عقیده اسلامی، ضعف و اختلافات داخلی، بکارگیری خائنان و انتشار افکار غربی در میان مسلمانان است. لذا امروزه باید مسلمانان آگاه بوده و تمامی تلاش خود برای حذف خطاهای گذشته بکار گیرند و از تمامی اسباب شرعی، علمی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و... برای بازگرداندن عظمت دوباره اسلام بهره جویند.

والحمد لله رب العالمین

صفر سال 1444